

سایت راهبرد ملی: <http://nationalstrategy.ir>

سازه های امنیتی چین در روابط متقابل با جمهوری اسلامی ایران

مهمترین اهداف چین در منطقه آسیا در رقابت با آمریکا، دوری از تنش های سیاسی و ایدئولوژیک و ایجاد یک کشور قدرتمند و نو ظهور در زمینه های اقتصادی و سیاسی و نظامی مبنی بر انتقال تکیه از آبراه ها به خشکی شرق تا غرب آسیا، و طرح جاده جدید ابریشم و نیز تقویت سازمان همکاری های شانگهای، در یک سازه امنیت جمعی آسیایی متشکل از روسیه و چین و پاکستان و هند به اضافه کشورهای آسیای میانه، به سمت " هویت نوین آسیایی " است...

۹ بهمن ۱۳۹۵ ۱۰:۵۶

یادداشتی بر

سازه های امنیتی چین

در روابط متقابل با جمهوری اسلامی ایران

در ۱۳ دی ماه سال جاری، نشست تخصصی با عنوان پیش بینی تحولات بین المللی در سال ۱۳۹۶ از سوی مؤسسه مطالعات راهبردی فرهیختگان قائم برگزار گردید. در این نشست جمعی از فرهیختگان و کارشناسان حوزه های سیاسی و بین المللی به بیان نظرات و دیدگاه های خود پرداختند. مطالب پیش رو تحت عنوان: «سازه های امنیتی چین در روابط متقابل با جمهوری اسلامی ایران» بر گرفته از سخنان دکتر فریدون وردی نژاد سفیر سابق ایران در چین است که در این نشست ارائه گردیده است.

بعد از استقرار دونالد ترامپ رئیس جمهوری امریکا در کاخ سفید، یکی از مهمترین اهداف امریکا رقابت با چین خواهد بود. بنابراین، ضرورت داشتن نگاهی اجمالی به چین و انتخابش به عنوان یک موضوع جهت بحث به دلیل اینکه چین در آسیا به عنوان قدرت نوظهور اقتصادی و احتمالاً نظامی در حال شکل گیری است و نیز اینکه ممکن است رقابت های اقتصادی چین در منطقه آسیا با امریکا (به عنوان دشمن راهبردی جمهوری ایران) به درگیری منجر گردد، اجتناب ناپذیر است. بر این اساس، چین به عنوان قدرتی صاحب انگیزه و رو به رشد در سطح جهانی، اهمیت بیشتری در ارتباط با امنیت جمهوری اسلامی پیدا خواهد کرد.



— ابتدا نگاهی اجمالی به چین در بُعد چشم اندازها، اهداف، و استراتژی و سیاستها و برنامهها داشته باشیم:

– چشم انداز چینی ها ابتدا رفاه عمومی ملت چین و تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی جهان است و هدف پایه ای و محوری آنان تولید تمام نیازمندی های کشور در داخل و رفع نیاز دوستانشان در خارج از چین بوده و اینکه باید تراز تجاری آنان با همه کشورها مثبت باشد.

– در چهار چوب این چشم انداز ، هدف چین تولید انبوه و همکاری با کلیه کشورها و حرکت صلح آمیز و تبدیل شدن به کارخانه بزرگ دنیا است .

– سیاست پایه ای چین و چهار چوبی که برای نیل به اهداف خود در نظر گرفته است، عدم مداخله در امور دیگران نامیده می شود.

– برنامه ای که چینی ها در این رابطه دارند این است که تا سال ۲۰۵۰ به قدرت اول جهان و ابر قدرت مسلط بین المللی تبدیل شوند.

### اصول سیاست خارجی چین در دوره اصلاحات

اصول سیاست خارجی چینی ها بعد از روی کار آمدن دنگ شیائوپینگ از سال ۱۹۷۹ عبارتست از:

الف – احترام متقابل و محترم شمردن تمامیت ارضی همه کشورها،

ب – اصل عدم تجاوز و عدم مداخله در امور دیگران،

ج – برابری و نفع متقابل،

د- همزیستی مسالمت آمیز با همه کشورها به ویژه همسایگان.

امروزه چین خطوط قرمز خود را پرهیز از شعارهای “دوران مائو” نظیر کارگران و دهقانان متحد شوید قرار داده است. آنان معتقد شدند که باید از سیاست های شتابزده و زود بازده اجتناب کرده و به سمت چینی مرفه و سوسیالیستی حرکت نمایند. تمرکز بر منافع ملی و پرهیز از مواضع پر هزینه و برگزیدن سیاست های هدفمند و برنامه ریزی شده از دیگر خطوط قرمزی است که چین در سیاست خارجی خود دنبال می کند.

بنابراین، چین امروز برنامه های کشورش را مبتنی بر ظهور صلح آمیز بین المللی قرار داده و به صورت تدریجی خواهان بروز و ظهور غیر تنش زا و تدریجی خود به عنوان یک ملت آرام است.

### راهبردهای پایه ای چین

راهبردهای پایه ای که چین برای ظهور نوین چین نو دنبال می کند این است که ابتدا تلاش دارد در رسیدن به اجماع حزبی در داخل کشور موفق عمل کند و سپس با مقاوم سازی امنیت ملی در تحولات جهانی، نقش موثرتری پیدا کند. آنگاه با تقویت سطح حضور و بسط نفوذ خود در آسیا، ایجاد یک هویت نوین آسیایی با محوریت چین را تعقیب می کند . چین با ارائه طرح “یک جاده یک کمربند” به احیاء جاده ابریشم نوین از راه خشکی و دریا پرداخته و سرشاخه های خود را در آسیا و از جمله آسیای جنوب غربی توسعه خواهد داد.

تقویت قدرت دفاعی و پیشگیری از نفوذ قدرت ها در دریای جنوبی چین و تلاش برای حفظ جایگاه صادراتی و همچنین رشد و ارتقاء قدرت نظامی و کیفی کردن آن به عنوان پشتوانه ظهور بین المللی صلح آمیز در دنیا از دیگر راهبردهای پایه ای چین محسوب می شوند.

در همین راستا، شاهد هستیم که چین ارتش خود را از نظر تعداد نفرات به حدود نصف کاهش داده است، اما از نظر تکنولوژیک و دانش های بنیادی و فناوری های نوین، نیروی نظامی و دفاعی خود را تقویت می کند.

راهبردهای دیگر چین را در تقویت خیزش پاسفیک و آسیا برای رقابت با آتلانتیک از طریق جذب سرمایه به آسیا و توانمند سازی حضور نظامی خود در قالب نیروهای صلح در مناطق حساس جهان و ارتقا و رشد حضور خود در سازمان همکاری های شانگهای را می توان برشمرد.

اما در راس تمامی سیاست های پایه ای که چین دنبال می کند، مهمترین آن موضوع پیشگیری از هرگونه چالش و درگیری علنی با آمریکا است که البته ممکن است در دوره ترامپ بناچار دستخوش تغییراتی بشود. بنابراین یکی از راهبردهای اساسی و پایه ای چین در دوره جدید و سال پیش رو به احتمال بسیار قوی "سیاست پیشگیری از هر گونه تنش با آمریکا" خواهد بود. سیاستی که طی سه دهه گذشته وجود داشته است، اما باید این احتمال را داد که ممکن است با حضور ترامپ در کاخ سفید مشکلاتی برای ادامه این سیاست در چین فراهم شود. علی رغم اینکه تایوان مرز برخورد غرب و آمریکا با چین است، پکن همچنان درصدد است سیاست یک کشور در دو نظام در خصوص تایوان را ادامه دهد.

در این میان، آنچه در سیاست های راهبردی چین بایستی مورد توجه قرار گیرد، سیاست تلاش چین برای عدم مناقشه در مسائل سیاسی خاور میانه و غرب آسیا است.

چین معتقد است با توجه به قدرت بلامنازع آمریکا در دریاها و عدم توانایی رقابت با غرب و ایالات متحده در دریا و تنگه ها، باید اتکاء تجارت و حمل و نقل را از سمت دریا به سوی خشکی آورد. از این رو برای تقویت صادرات و ترانزیت کالاهای خود از طریق زمین و راه های خشکی در غرب آسیا تلاش می نماید. چین با سرمایه گذاری ۴۶ میلیارد دلاری در بندر گوادر و با تکیه بر شاهراه و گذرگاه شمال - جنوب که در پاکستان با عنوان طرح "رشته های مروارید" در دست احداث دارد و این طرح که برای محاصره هند معروف می باشد، میان چین و پاکستان از سالها پیش توافق شده است. این بدان معناست که ۲۲۸۲ جریب از بندر گوادر پاکستان به عنوان منطقه آزاد در اختیار چین قرار گرفته است و بیش از ۴۰ سال در اختیار آن کشور خواهد بود. چین سعی می کند از طریق پاکستان و افغانستان و راه خشکی به بازار اروپا دست یابد. این طرح راهبردی، طرحی است که در صورت عملیاتی شدن در رقابت با بندر چابهار ما دارای اهمیت بسیار خواهد بود.

چین امروز تلاش دارد از یک چین درون گرا به یک چین تاثیر گذار تبدیل گردد. این مرحله گذار چینی ها مرحله تقویت آنان در آسیا و رهبری چین در آسیای نوین با هویت جدید خواهد بود. در چنین شرایطی مهمترین سئوالی که مطرح است این است که آیا زمینه های همکاری و مشارکت دو جانبه بین ایران و چین در سازه ی جدید امنیتی که چینی ها دنبال آن هستند وجود دارد یا خیر؟ یعنی در شرایطی که چین به صورتی نابالغ از حالت درون گرایی به تاثیر گذاری بین المللی (بخصوص در منطقه آسیای جنوب غربی) آیا زمینه همکاری وجود دارد یا خیر؟

### راهکار های احتمالی ایران

سوال مهم این است که آیا امکان توافقی مبتنی بر پویایی امنیتی در سطح آسیا با چینی ها داریم تا با تکیه بر ثبات ملی و داخلی خودمان رابطه دولت ملتمان را تقویت کرده و به سمت همکاری با قدرت های منطقه از جمله چین برویم؟

در صورتی که سیاست ایران بر همکاری و رابطه امنیتی با چین قرار گیرد سه شرط اساسی وجود دارد:

- اول اینکه باید بین دو کشور منافع مشترک وجود داشته باشد.

- دوم اینکه در اهداف نقطه اشتراک داشته باشیم.

- سوم، دو قدرت در برابر تهدیدات داوری مشترکی داشته باشند.

در این صورت باید دید ما با چینی ها منافع مشترک داریم یا خیر؟ اگر منافع ما حکم کند، به نظر می رسد مقابله با تک صدایی و چند جانبه گرایی و همکاری در قالب سازمان همکاری های شانگهای که چین و روسیه و کشورهای آسیای میانه عضو هستند و ما نیز به عنوان عضو ناظر هستیم به عنوان منافع مشترک تعریف شود. سپس روی اهداف مشترک بین جمهوری اسلامی و چین که می تواند موضوع مقابله با گسترش ناتو به شرق تعریف گردد. گسترش ناتو به شرق جزء برنامه امریکایی ها و غربی ها تلقی می شود که مقابله مشترک با هنجارهای بین المللی و هژمون امریکایی در سطح آسیا و در دراز مدت می تواند به عنوان اهداف مشترک ایران و چین منظور شود.

از سوی دیگر، به نظر می رسد در زمینه داوری و تطابق دیدگاه ها و نظرات و قضاوت های همسان با چینی ها اشتراک کافی نداریم. به طور مثال، چینی ها هنوز در سیاست خارجی خود ایران را به عنوان اولویت خود تلقی نمی کنند. بارها و بارها مسئولین ما با چینی ها مذاکره داشته اند که دو کشور باید همکاری استراتژیک داشته باشند، اما چینی ها از این مسئله عبور کرده اند و ما را بواقع همکار استراتژیک خود نمی دانند.

پرسش پایه ای دیگر این است که جایگاه ایران در نگاه امنیتی چینی ها کجاست؟ اصولاً اولویت سیاست خارجی چینی ها در جایگاه امنیتی و سیاسی و اقتصادی ابتدا کشورهای همسایه است. به طور مثال، پاکستان ارتباط نزدیکی با چین دارد و از همه لحاظ مورد حمایت چین است و حتی هسته ای شدن پاکستان به دلیل رقابتی که با هند دارد مدیون حمایت های چین است.

با چنین اولویت بندی از نظر چینی ها، ایران تنها بخشی از سیاست های نفتی این کشور در خاور میانه است. به طور مثال هم اکنون که ارتباط نزدیکی با چین داریم، ما کشوری در رتبه سوم یا چهارم صادر کننده نفت به این کشور هستیم.

با این توصیفات، اگر بخواهیم یک همکاری استراتژیکی و یک سازه امنیتی بین جمهوری اسلامی و چین و متحدان چینی بوجود آید؛ یا باید این سازه مبتنی بر اشتراک ایدئولوژیک باشد که در شرایط فعلی امکان پذیر نیست، یا باید تناسب نژادی و قومی و یا مذهبی باشد، که اینهم عملی نیست. تنها راهی که می ماند، همکاری اقتصادی و شراکتی یا همان همکاری فنی و حرفه ای با چینی ها است. پس باید چگونه با چینی ها همکاری اقتصادی و شراکتی داشته باشیم؟ در حالی که چینی ها تاکنون یک سنت هم در ایران سرمایه گذاری نکرده اند، بلکه هرچه بوده به شکل فاینانس بوده است و اگر قرار باشد همکاری های اقتصادی توسعه یابد، باید از طریق گفت و گو، مذاکره و توافقات دو جانبه و چند جانبه و شراکت های منفعتی در سازمان همکاری های شانگهای و ساختار بندی در قالب جاده ابریشم نوین صورت گیرد.

در یک جمع بندی کلی می توان گفت، امکان دارد در موضوعاتی همچون نفوذ و حضور آمریکا در منطقه، مقابله و گسترش ناتو در شرق، موازنه قوا و مقابله با افراط گرایی در سطح منطقه، مقابله با تروریسم، تامین امنیت تولید و عرضه انرژی با تکیه بر نفت و گاز و ایجاد توازن منطقه ای و پیشگیری از تعارضات و اختلافات ایدئولوژیک همکاری نمود. بنابراین با توجه به شرایط همکاری با چینی ها، مبنی بر ضرورت تقویت شناخت بیشتر دو طرف و ایجاد همزبانی و ادبیات دفاعی و امنیت مشترک تلاش نمود.

شاید راه حل این باشد که دو شاخه همکاری استراتژیکی را در کار میان مدت با چینی ها در نظر بگیریم. برنامه هایی در قالب سازمان همکاری های شانگهای و طرح جاده ابریشم نوین می تواند زمینه ساز برخی همکاری ها باشد. البته این همکاری ها زمانی نتایج خود را ببار خواهند آورد که اولاً ما ثبات داخلی داشته باشیم، ثانیاً بین ملت و دولت ما نظم و همپونی و مشارکت برقرار باشد و ثالثاً امکان گفتگو و مذاکره با چینی ها و متحدینش را داشته باشیم.

### **جمع بندی:**

به نظر می رسد با توجه به نیاز چین مبنی بر انتقال تکیه از آبراه ها به خشکی شرق تا غرب آسیا، بدلیل نگرانی هایی که از امریکایی ها دارند و طرح جاده جدید ابریشم و نیز تقویت سازمان همکاری های شانگهای، بتوانیم در قالب یک سازه امنیت جمعی آسیایی متشکل از روسیه و چین و پاکستان و هند به اضافه کشورهای آسیای میانه، به سمت "هویت نوین آسیایی" حرکت کنیم که این می تواند یک برنامه دهساله باشد. امید است در چنین حالتی، امکان توافق و شراکت با چینی ها وجود داشته باشد و ایران ضمن همکاری با چین و کشورهای آسیایی، اساس نظم امنیتی را بر مدل مرکز پیرامون و با اتکاء قطعی بر توان ملی قرار دهد.